

تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی علیه السلام (۶۰ - ۱۳۵۷)

* سید حسین اطهری

** سمیه زمانی

چکیده

این مقاله با استفاده از روش نورمن فرکلاف، گفتمان صدور انقلاب امام خمینی علیه السلام را مورد بررسی قرار می‌دهد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که گفتمان صدور انقلاب، با کدام پیش‌فرض‌ها و با کدام دلالت‌های ضمنی در فاهمه عمومی وارد و جاذبه ایجاد کرده بود؟ در این مقاله اثبات می‌شود که رابطه تعاملی بین متن و زمینه و تکیه بر ایدئولوژی اسلام، موجب هژمون شدن اندیشه امام خمینی علیه السلام در باب صدور انقلاب گردیده است. همچنین این امر، خود باعث تفهیم معنایی گفتمان صدور انقلاب و دریافت رابطه پیچیده قدرت و ایدئولوژی در گفتار ایشان می‌شود و نشان می‌دهد گفتمان صدور انقلاب امام خمینی علیه السلام در راستای بازتولید ساختار قدرت انقلابی و تداوم مشروعیت آن تکوین یافته است.

واژگان کلیدی

تحلیل گفتمان، گفتمان انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، امام خمینی علیه السلام، هژمونی.

مقدمه

گفتمان صدور انقلاب که برآمده و برساخته از گفتمان انقلاب اسلامی بود از جمله مباحث پر دامنه در فرایند انقلاب اسلامی بوده است که انعکاس و پیامدهای داخلی و خارجی فراوانی داشته است و در این راستا دسته‌بندی‌ها و سوگیری‌هایی را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پدید آورده است. با پیروزی انقلاب

athari@um.ac.ir

s_zemani_th@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۱

*. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

** کارشناس ارشد علوم سیاسی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۰

اسلامی و شکل‌گیری دولت انقلابی، بحث صدور انقلاب به یکی از مسائل مهم درون نظام حکومتی و جامعه تبدیل شد. با توجه به اینکه از آغازین روزهای انقلاب، امام بر مسئله صدور انقلاب تأکید داشتند، این امر موجب جبهه‌گیری‌هایی از طرف برخی جریان‌های سیاسی در داخل گردید که برخی از آنها به صورت تلویحی یا تصریحی مخالف صدور انقلاب بودند. اما امام با موضع‌گیری قاطع اعلام کردند که «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲) صدور انقلاب ایران را می‌توان به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی دانست که به دلیل ماهیت جهان‌شمول دین اسلام به نوعی متضمن آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی دیگران است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۸) بنابراین، به دلیل ماهیت اسلامی انقلاب و نیز تأکید امام انقلابیان ایرانی پس از پیروزی به صدور انقلاب خود اقدام کردند. در پی این امر، گفتمان‌های متفاوت صدور، تکوین یافت که در منازعه‌های سیاسی به رقابت پرداختند. در نهایت گفتمان رهبر انقلاب به گفتمان هم‌مومن تبدیل شد و سایر گفتمان‌ها در حاشیه قرار گرفتند. منازعه این گفتمان‌ها، منازعه ایدئولوژی‌هایی بود که در پس این گفتمان‌ها، نهان بودند. این مقاله قصد دارد تا در راستای رابطه پیچیده زبان و سیاست، به تحلیل گفتمان صدور انقلاب بپردازد. در این راستا نگارندگان مقاله، با اتخاذ روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به واکاوی معنایی گفتمان صدور امام خمینی علیه السلام پرداخته‌اند.

نکته بدیع مقاله آن است که تاکنون پژوهشی از شیوه تحلیل گفتمان برای بررسی صدور انقلاب اسلامی در سخنان امام خمینی علیه السلام، بهره نبرده است. برآیندهای مطالعاتی نشان می‌دهند تحلیل گفتمان، امروزه مرزهای بین‌رشته‌ای را کاهش داده است و به یک حوزه بین‌رشته‌ای دست یافته است. تحلیل گفتمان، گرایشی تحقیقی است که سعی دارد با مطالعه اثرات ظاهری گفتار، ساختار تولید و زمینه وقوع متن یا گفتار یعنی عوامل بیرون از متن (بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره) به تحلیلی دست پیدا کند که رابطه بین تشکیل ایدئولوژی و تشکیل گفتار و تأثیرات آن را بر ساختار و کارگزار، آشکار سازد؛ چراکه در نگاه این رویکرد، رابطه تعاملی بین متن^۱ و زمینه^۲ وجود دارد.

بنابراین، مقاله حاضر با روش نورمن فرکلاف به تحلیل انتقادی گفتمان صدور امام خمینی علیه السلام می‌پردازد تا به این سؤال اصلی پاسخ گوید که گفتار صدور انقلاب، با کدام پیش‌فرض‌ها و با کدام دلالت‌های ضمنی در فاهمه عمومی وارد شده و جاذبه ایجاد کرده بود؟

صدور انقلاب

اصطلاح «صدور انقلاب» همچون واژه‌های مداخله، تجاوز، دفاع از خود، در نوشته‌های روابط بین‌الملل آورده نشده است. «باین‌حال ایده اصلی در پیگیری اقدام به صادر کردن انقلاب نه دقیقاً در پرداخت اروپامحوری و

1. Text.
2. Context.

به زبان جامعه بین‌الملل پس از معاهده وستفاليا، بلکه در تعریف وسیع کلمه، بخشی از روابط بین‌الملل کهنه و کنونی است» (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۵) که هر چند در داخل نظام بین‌الملل جریان می‌یابد اما شیوه به چالش کشیدن نظم موجود نظام بین‌الملل است. «مفهوم صدور انقلاب نتیجه قهری پدیده انقلاب در سراسر تاریخ جهان» شمرده می‌شود به طوری که انقلاب فرانسه الهام‌بخش اکثر دموکراسی‌ها بوده و انقلاب روسیه بر انقلاب‌های چین و کوبا تأثیر گذاشته است. بیشتر صاحب‌نظران هم بر تأثیر انقلاب اسلامی در خاورمیانه تأکید دارند. (Eddin, 2002: 96) روح‌الله رضانی معتقد است که صدور انقلاب نتیجه قهری پدیده انقلاب است که در مورد انقلاب ایران هم صدق می‌کند. (رضانی، ۱۳۸۰: ۵۵)

هر چند برخی معتقد هستند «انقلاب‌ها به مثابه کالایی هستند که صادرات نسبتاً اندکی دارند». (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۱۷) در مقابل، برخی از جمله اسلام‌گرایان بر این باورند که انقلاب، کالا نیست که صادر و وارد شود (فارسی، ۱۳۶۸: ۴۰۲) بلکه «اساس انقلاب تغییر اوضاع نفسانی، تغییر روابط و رفتار اشخاص و تغییر احوال و نظامات جامعه است». (همان) از سوی دیگر نیز برخی صدور انقلاب را برنامه، اقدام و یا سیاستی می‌دانند که از طرف دست‌اندرکاران انقلاب در جهت تأثیرگذاری بر سایر جوامع اتخاذ می‌شود. (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۰۱)

در تعاریف ارائه شده، حضور یک کارگزار انسانی که به مداخله در جهت صدور انقلاب می‌پردازد نمایان است. زمانی که ملت‌ها جذب این انقلاب‌ها شوند به پیشبرد انقلاب کمک می‌نمایند و امواج جدیدی از انقلاب‌ها را با اهداف مشابه خلق می‌کنند. قدرت ایده‌های انقلابی را می‌توان در گستره دامنه انتشار و تأثیرشان بر منازعات انقلابی چندجانبه یافت (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۲۱) که به تداوم آنها می‌انجامد. انقلاب با تداوم به تکامل خواهد رسید و وعده انقلاب محقق خواهد شد.

روش تحلیل گفتمانی نورمن فرکلاف

گفتمان را ادامه تعبیری که از لوگوس می‌شود دانسته‌اند؛ با این تفاوت که بعد اجتماعی و ایدئولوژیکی آن به غایت برجسته‌تر است. استلزام گفته و کارکردهای فکری - اجتماعی (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۹۸ - ۹۵) که به ساخت فراتر از جمله و عبارت تعبیر شده است.

نورمن فرکلاف^۱ که از چهره‌های فعال و شاخص تحلیل انتقادی گفتمان است، منسجم‌ترین، جامع‌ترین و پرطرفدارترین نظریه را در مقایسه با سایر تحلیل‌گران انتقادی گفتمان ارائه داده است. او با تکیه بر مبانی بحث‌های فوکو، گفتمان را صرفاً بازتاب‌دهنده رابطه قدرت بیرون از آن نمی‌داند بلکه برای گفتمان وجهی تأسیس‌کننده قائل است. (غلامرضا کاشی، ۱۳۷۹: ۷۱) از نظر او، گفتمان چنان نیست که به طور مستقل و از طریق ساختارهای یک متن قابل تحقیق باشد، بلکه در منظومه تعاملات گفتمانی و در رابطه پیچیده با

1. Norman Fairclough.

شرایط اجتماعی و سیاسی قابل فهم و تحلیل است. (فرقانی، ۱۳۸۳: ۷۸) اهمیت فرکلاف در مطالعات گفتمانی، فراتر بردن متن از سطح صرف زبانشناختی و برقراری نسبتی روشمند میان متن و زمینه اجتماعی و سیاسی است. (غلامرضا کاشی، ۱۳۷۹: ۷۲)

روش فرکلاف در تحلیل انتقادی گفتمان شامل سه مرحله وابسته به هم شامل توصیف، تفسیر و تبیین است. **الف) توصیف:** این مرحله با تمرکز بر واژه‌ها و وجوه دستوری و تحلیل زبان‌شناختی متن به جستجوی ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی موجود در متن که فرکلاف آنان را ارزش‌های صوری متن می‌نامد می‌پردازد. از نظر فرکلاف «میان سه نوع ارزشی که ویژگی‌های صوری ممکن است واجد آن باشند، یعنی تجربی، رابطه‌ای و بیانی، باید تمایز قائل شد». (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱) او در ادامه، تمایز این سه نوع ارزش صوری متن را بدین شرح بیان می‌دارد:

ارزش تجربی: ردپا و سرنخی از روشی به دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌گردد. ارزش تجربی با محتوا، دانش و اعتقادات سروکار دارد. (همان: ۱۷۱)

ارزش‌های رابطه‌ای: ردپا و سرنخی از آن دسته از روابط اجتماعی به دست می‌دهد که از طریق متن در گفتمان به مورد اجرا در می‌آید. ارزش رابطه‌ای با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار دارد. (همان: ۱۷۲)

ارزش بیانی: ردپا و سرنخی از ارزشیابی تولیدکننده از بخشی از واقعیت را ارائه می‌دهد. ارزش بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد. (همان)

ب) تفسیر: طبق نظر فرکلاف، متن در زمینه‌ای تولید شده و تفسیر می‌شود که آن گفتمان‌ها تسلط دارند. در واقع او متن را در فضای خالی معلق نمی‌داند (فرقانی، ۱۳۸۳: ۹۶) و تفسیرهای صورت گرفته از متن را «ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر» می‌داند که مقصودش از ذهنیت مفسر «دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد». (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵) وی معتقد است:

تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهن مفسر است. از منظر مفسر ویژگی‌های صوری متن در حقیقت سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و تفسیر، محصول ارتباط دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود. (همان)

البته مفسر، هم شامل محقق می‌شود و هم شامل کنشگرانی که با تکیه بر دانش زمینه‌ای خود، متن‌ها را تفسیر کرده و بر این اساس تعاملات میان خود را تنظیم می‌نمایند.

ج) مرحله تبیین: فرکلاف در ارتباط با مرحله پایانی تحلیل انتقادی گفتمان می‌نویسد:

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است، تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای

اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت. (همان: ۲۴۵)

در این مرحله، متن به عنوان بخشی از یک فرایند فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود. از دید فرکلاف، تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها شود. (فرقانی، ۱۳۸۳: ۹۹) فرکلاف با استفاده از این سه مرحله، خواستار آن است تا بتواند روشی دقیق را برای تحلیل انتقادی گفتمان ارائه دهد تا هم متون و هم زمینه آن، همزمان مورد تحلیل پژوهشگر قرار گیرد تا نتیجه پژوهش با امر واقع از قرابت بیشتری برخوردار گردد.

با توجه به این ساختار تئوریک و براساس روش فرکلاف، در این مقاله به تحلیل گفتمان «صدور انقلاب» امام خمینی از ۱۲ بهمن ۵۸ تا فروردین ۶۱ می‌پردازیم. ایشان هنگام تدوین قانون اساسی در تاریخ ۵۸/۴/۲۹ ضمن ارائه خصوصیات قانون اساسی جامع بر صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران درصدد ایجاد جامعه اسلامی برآیند، تأکید می‌نماید. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۹ / ۳۱۰ - ۳۰۸) برای این کار ابتدا ۵۰۰ فیش از ۱۰ جلد صحیفه جمع‌آوری شد. سپس با توجه به آنکه تحلیل گفتمانی، تحلیلی کیفی است به کاهش نمونه‌ها با توجه به تکرار آنها پرداختیم تا در انتها نمونه‌های مورد نظر انتخاب شدند.

متون منتخب

۱. صدور انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین‌های دیگران نیست ... صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است، صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و ... (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴ / ۱۸۸)
۲. ... من امیدوارم که همه ملت‌های اسلام که به واسطه تبلیغاتی که فعالیت‌هایی که از اجانب شد و اینها را از هم متفرق کردند و مقابل هم قرار دادند، بیدار شوند و همه با هم بشوند. یک دولت بزرگ اسلامی، یک دولت زیرپرچم لا اله الا الله تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه بکند. (همان: ۶ / ۲۳۴)
۳. در سال‌های طولانی کوشش کردند برای اینکه اسلام را مخفی نگه دارند؛ نگذارند اسلام آن طور که هست در خارج عرضه بشود. اگر اسلام به آن طوری که هست عرضه بشود، مکتب‌های دیگر عقب می‌نشینند، مکتب‌های دیگر شکست می‌خورند. (همان: ۲ / ۴)
۴. من امیدوارم که این رمزی که در ایران رمز پیروزی شد، برای همه اقشار مستضعفین الگو باشد، آن رمز وحدت کلمه و اتکا به اسلام بود. (همان: ۶ / ۱۴۰)

۵. ... البته همه مسلمین در این نهضت شرکت داشتند و این نهضتی بود که برای هدف اسلامی بود، نه فقط برای ایران؛ منتهی نقطه ابتدا از ایران است و همه مسلمین در این هدف شریک هستند. و نهضت برای اقامه عدل است که باید بگویم همه بشر در آن شرکت دارند؛ و چون برای اقامه اسلام است همه مسلمین در آن شرکت دارند. (همان: ۱۹۷)
۶. یک وقت آزادی خواهان ما هم بیدار بشوند. از این غربی بودن بیرون بیایند؛ توجه نکنند به خودشان. خودشان را مستقل قرار بدهند. یک وقت از اسلام به همه جا چیز صادر می‌شد، فرهنگ صادر می‌شد! حالا ما همه چیزمان باید تابع باشد. (همان: ۱۵ / ۱۴۰)
۷. من امیدوارم که این نهضت ایران به همه جا سرایت کند و همه به این فرضی که ایران پیش رفته است همه به این فرض پیش ببرند. (همان: ۹ / ۱۴۰)
۸. ... من امیدوارم این نهضت ایران الگویی باشد برای سایر ملت‌های مستضعف و امید است خداوند، دنیا را از دست مستکبرین بگیرد و به دست مستضعفین بسپارد. (همان: ۱۲ / ۲)
۹. ... مکتب‌های توحیدی نمی‌خواهند فتح کنند بلاد را و نمی‌خواهند با مردم با خشونت رفتار کنند. آنها می‌خواهند مردم را از ظلمت‌های ماده به نور بکشند، به طرف خدا بکشند؛ توجه به خدا بدهند. و لهذا تا آنجا که امکان دارد در مکتب‌های غیر مادی مدارا هست؛ خوشرفتاری هست، دعوت هست. (همان: ۸ / ۲۸۸)
۱۰. صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران در صد ایجاد جامعه اسلامی بر می‌آیند. (همان: ۹ / ۳۱۰)
۱۱. و من امیدوارم که پیروزی آخر، که آن عبارت از این است که در ایران، اسلام به همه معنا تحقق پیدا بکند، و انشاءالله سرایت بکند به سایر مملکت‌ها و مستضعفین همه بر مستکبرین پیروز بشوند. (همان: ۴۳۷)
۱۲. تمام کشورهای اسلامی چون ایران بنا به وظیفه اسلامی خویش باید از کشورهای در حال رشد و مبارزه با استعمار مادی و معنوی پشتیبانی کنند ... کشورهای اسلامی باید از سازمان‌های آزادی‌بخش سراسر جهان دفاع کنند. (همان: ۱۵ / ۳۹۶)
۱۳. شما یک انقلابی کردید و یک سدی را شکستید که در دنیا نظیرش کم یا نبوده است ... مردانه همان طوری که تا حالا قیام کردید و نهضت کردید و این سد عظیم را شکستید. مردانه در میدان باقی باشید و جلو ببرید این نهضت را تا اینکه انشاءالله اسلام به محتوای مترقیش پیدا بشود و مملکت با یک مملکت اسلامی به تمام معنا بشود ... و انشاءالله این مملکت را الگویی قرار بدهیم از سایر کشورهای اسلامی؛ و بلکه سایر کشورهایی که مستضعفین گرفتار مستکبرین هستند. (همان: ۴۴۱)
۱۴. اشتباه است که خیال کنند کشورگشایی می‌کند اسلام. اسلام کشورگشایی نمی‌کند. اسلام می‌خواهد همه کشورها آدم بشوند. (همان: ۱۰ / ۴۴۹)

۱۵. ما از اول گفتیم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشکرکشی نیست بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا بزنیم. (همان: ۱۹ / ۲۴۲)

۱۶. حالا بسیاری از ملت‌ها با ما همراه‌اند. نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملت‌ها. (همان: ۱۶ / ۳۳۶)

۱۷. من از گوشه بیمارستان به آفریقا و شرق زیر سلطه و تمام کشورهای تحت ستم اخطار می‌کنم که متحد شوید و دست آمریکای جنایتکار را از سرزمین خود قطع کنید ... مرد جنگیم ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؟ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبران هست ما هستیم. (همان: ۱۲ / ۱۴۹)

۱۸. ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم» می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم ... ما می‌خواهیم که این انقلابمان را انقلاب فرهنگیمان، انقلاب اسلامیمان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. (همان: ۱۳ / ۹۰)

۱۹. ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی این ویژگی‌ها را داشته باشد و این معنایی که در ایران تحقق پیدا کرده است در همه ممالک اسلامی باشد و این انقلاب صادر بشود به همه ممالک اسلامی و همه مستضعفان. (همان: ۷ / ۹۳)

۲۰. ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم به همه کشورهای اسلامی بلکه به همه کشورهایی که مستکبرین بر ضد مستضعفین هستند، می‌خواهیم یک همچو وضعیتی پیش بیاوریم... (همان: ۱۳ / ۹۶)

۲۱. شما حق خودتان را بگویید، منتشر کنید و در مقابل آنهایی که بعکس جلوه می‌دهند این نهضت اسلامی ایران را شما در مقابل آنها بایستید و حق خودتان را به آنطوری که هست، ترویج کنید تا حق در همه بلاد اسلام پیاده شود و باطل خود به خود از همه ممالک اسلام، بلکه انشاءالله از همه ممالک دنیا از بین برود و زاهق شود. (همان: ۱۳ / ۱۶۴)

۲۲. گفتار اسلامی باشد تا صادر بشود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها، صدور با سرنیزه صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی در اینجاها رشد پیدا بکند. (همان: ۱۳ / ۴۸۸)

۲۳. توجه داشته باشید که بالاتر چیزی که می‌توانید این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و به خارج صادر کند، تبلیغات است. تبلیغات صحیح در آنچه که هست، هیچ مبالغه نکنید. (همان: ۱۴ / ۵۸)

۲۴. هر دو ابرقدرت، کمر به نابودی ملل مستضعف بسته‌اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا

اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفان جهان است. از طرفی دیگر تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابمان را صریحاً با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت‌باری که داریم، با جهان برخوردی مکتبی می‌نماییم. (همان: ۱۲ / ۲۰۲)

تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی

۱. توصیف

امام خمینی علیه السلام در بازسازی جهان تجربی که بازتاب اعتقادات و ارزش‌های ایدئولوژیک منبعث از مکتب اسلام ایشان است از واژگان مثبت و منفی استفاده می‌کنند. در متون بررسی شده، هنگام پرداختن به انقلاب و اسلام و مکتب و صدور، کلمات بار مثبت پیدا می‌کنند و واژگان الگو، نمونه، راهنما، اقامه عدل، حق، احیا و ... همراه هم به کار می‌روند. در نقطه مقابل موقع گفتگو درباره غیر و دیگران، کلمات باری منفی می‌یابند. دیگری که در قالب کفر، آمریکا، اسرائیل، بازنمایی شده همراه با کلماتی نظیر اجانب، استثمار، استعمار، کفار مستکبرین و باطل ... حس منفی و سیاه را به مخاطب القا می‌کند. (فیش‌های ۳، ۲، ۱۱، ۱۴، ۱۶)

در بسیاری از موارد کاربرد دگرسانی وجود دارد که مصداق طبیعی‌سازی و بدیهی ساختن تعلق انقلاب ایران به همه مسلمین است. به طوری که در پس کلمات، القای ایدئولوژی در قالب کلمه مسلمین ظهور می‌یابد و انقلاب ایران را امری مطلوب برای مسلمین می‌سازد که امری مشروع است. در فیش‌های شماره ۲ و ۶ و ۱۱ و ۱۸، این دگرسانی و همراهی را می‌توان مشاهده کرد. در حقیقت این وجه ایدئولوژیک گفتمان امام است که انقلاب اسلامی را جهان‌شمول می‌داند و هدف آن را انجام رسالت جهانی اسلام می‌داند.

امام با کاربرد کلماتی که دارای شمول معنایی هستند به برجسته‌سازی مقصود خود می‌پردازد و بدین ترتیب، باور ایدئولوژیک و آموزه‌های نظری امام در مخاطب، درونی می‌شود و در بافتار گفتمان امام کلماتی که شاید خارج از آن هم‌معنایی نداشته باشند هم‌معنا می‌شوند. مرور سخنان امام، تکرار کلماتی چون مسلمین، ملت‌ها، پیامبران، انبیاء، صدور اسلام، اتحاد، وحدت، کربلا، سیدالشهدا، مستضعفین در برابر کاربرد کمتر مستکبرین، لیبرالیسم، غرب و ... را نشان می‌دهد؛ در واقع امام با این کار سعی به برجسته‌سازی اسلام و القای برتری آن دارد. (فیش‌های ۱، ۴، ۱۲، ۲۱، ۲۰)

در متن‌های موجود، کلماتی که هم‌معنا با صدور به کار رفته و در نظر گوینده به عنوان امری عادی، طبیعی و مشروع صورت می‌گیرد شامل این موارد است: «عرضه، ترویج، و ... معرفی و جلب‌کردن، ادامه، پیشرفت، پیش بردن، پیشروی، دوام و صادر، صدور، توسعه، منتشر، انتشار، سرایت، گسترش، گسترده، موج، کشیده شود، برود، انعکاس، منعکس و نمایشگر، نمایش دادن نشان دادن الگو، نمونه و راهنما قرار گرفتن». (فیش‌های ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۵) در این میان دگرسازی با کاربرد افعال منفی از

کاربرد خشونت و سرنیزه و وجه منفی بخشیدن به آن باز نمود می‌شود. (فیش‌های ۱۲ و ۲۴) همچنین همسانی اسلام و انقلاب بر بدیهی بودن صدور دلالت دارد. (فیش‌های ۳ و ۴) در مقابل تأکید بر فرهنگ، معنای انقلاب ایران تقابلی را نشان می‌دهد که بر مثبت نشان دادن صدور فرهنگ و معنای انقلاب می‌انجامد. (فیش‌های ۱۶، ۷، ۱۴) تأکید امام بر هم‌معنایی نهضت ایران با نهضت مستضعفین در برابر مستکبرین و تکرار مکرر تقابلهای و منازعات مستضعفین، مستکبرین و استثمار، در نهایت، پیروزی مستضعفین و وعده حکومت جهانی را روشن می‌کند. (فیش‌های ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۱۶) در واقع، همسان‌سازی صورت گرفته در میان ملت‌ها و انقلاب ایران سعی دارد که حمایت از سازمان‌های آزادی‌بخش و ملل تحت ستم در سراسر جهان را امری طبیعی، مشروع و مثبت جلوه بدهد. (فیش‌های ۶، ۱۵ و ۱۱) به همین سبب، آفریقا و شرق نیز در کنار ایران و ملت‌های مسلمان و مستضعف در مقابل آمریکا، شوروی و انگلیس و سایر دول استعمارگر قرار می‌گیرد و به این ترتیب تقابل سپید و سیاه بر دوگانه ارزشی صحنه می‌گذارد تا دومی به نفع اولی محکوم به شکست شود. (فیش‌های ۲، ۱۹ و ۲۳) در حقیقت، جهان ارائه شده توسط امام جهانی دو قطبی است که در یک طرف اسلام و انقلاب اسلامی به نمایندگی از مستضعفان و محرومان و... قرار دارد و در طرف دیگر، شرق و غرب استکباری و کافر و زورگو که به دنبال سلطه بر جهان است، قرار دارد. بسیج کلمات ارزشی و تقسیم‌بندی خوب، بد و خیر و شر و تأیید هر آنچه که در دایره شمول اسلام قرار می‌گیرد و تکذیب صدق هر آنچه خارج از آن است در تقابلهای دوتایی تکرار می‌شود.

به کارگیری واژگانی مانند انقلاب نمونه، انقلاب بی‌نظیر، قیام یک ملت منسجم که با تعابیر متعدد سعی در تمایز و جداسازی انقلاب ایران از سایر انقلاب‌ها دارد و در یک مقایسه سعی دارد آن را در نزد مخاطب بی‌بدیل معرفی نماید. در موارد متعدد بر ارزش‌های وحدت کلمه، اتکال به خداوند به عنوان رمز پیروزی کلمه انقلاب ایران که باید بر آن مداومت داشت تا نهضت حفظ شود به عنوان ارزش‌هایی مثبت تأکید می‌گردد و حتی امیدوارانه می‌خواهد که به یک نمونه برای سایرین بدل شود. تقابل یک عده کم با زیاد، مستضعفین با مستکبرین، مسلمین صدر اسلام با کفار که در داستان کربلا تصویر می‌شود، به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرد تا بر ارزش مبارزه مردانه بر استقامت و مقاومت و حفظ مکتب که راز تداوم انقلاب است صحنه گذاشته شود. (فیش‌های ۱۱، ۱۶ و ۲۴)

تشبیه انقلاب ایران به شکستن سد، اسلام به متاع قابل عرضه، استفاده از استعاره انعکاس، موج پرتو حق اسلام برای صدور انقلاب، حکومت‌ها به سرنیزه، آمریکا و ابر قدرت‌ها به شیطان (فیش‌های ۴، ۹ و ۱۶) دیده می‌شود. استفاده از استعاره برای هر آنچه دلالتی بر اسلام و ارزش‌های آن است بر بداهت و طبیعی بودن صدور اسلام دلالت ضمنی دارد. این استعاره علاقه ایدئولوژیک مولد متن را در برابر علایق غیرمسلط و همچنین مطرود گفتمان نشان می‌دهد. از آنجا که در مواردی بر الگوسازی تأکید می‌گردد، استعاره انعکاس در

برگرداندن این الگو به سایر کشورها و یا در موج که فراگیری و شباهت آن با ارزش‌های انقلابی بازسازی می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استفاده از استعاره در راستای حفظ منشور نهضت، تداوم و صدور انقلاب، گوینده را به بهره‌گیری از نمادهای مذهبی وادار کرده و هنگامه جنگ ایران و عراق به جنگ اسلام و کفر تشبیه می‌گردد. هر آنچه که از نظر گوینده دارای بار معنایی مثبت و والایی است در جبهه حق با کلماتی چون بارقه، طلایه و نور، ادا می‌گردد. درواقع آنچه در دایره خود قرار می‌گیرد با تمام مفصل‌بندی‌هایش در تقابل دیگر بوده‌ها قرار دارد. دولت‌ها و ابرقدرت‌ها به عنوان شیطان، جبهه باطل را شکل می‌دهند و صدور انقلاب تداعی‌گر انعکاس بارقه نور در ایران به درون جبهه باطل است که صفوف آنها را مورد حمله قرار می‌دهد و این چنین عرصه‌ای است که شهدای انقلاب ایران را به شهدای کربلا نزدیک می‌کند و ملت ایران در پشت اولیا و انبیای خدا قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، تقابل با دشمنان خدا امری بدیهی و عادی جلوه می‌کند.

در فیش‌های ۳، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ۲۳ صدور، نمایش بدهند، سرایت کند، صادر شود، صادر کنیم، منعکس کنیم، منتشر کنند، سرایت کند به عنوان یک کنش یاد شده است و کنش‌پذیری را از مخاطبان طلب می‌کند. در نمونه‌های ۸ و ۱۴ با توجه به جملات بعدی، نقش کنش‌گر فراهم کردن زمینه سرایت انقلاب به سایر بلاد است. آنجا که می‌گوید: «اگر ما خوب این نقش را بازی کنیم و اسلام را آن طور که هست...» البته این در موارد متعددی مورد مشاهده است که نقش کنش‌گر بیشتر در ایجاد زمینه‌ها و یا همان تکیه بر الگوسازی از ایران اسلامی است. در برخی نمونه‌ها بر نقش کنش‌گر که در جمله نمود دارد تأکید می‌شود: «به تدریج ما انقلاب خودمان را به خارج به نحوی که هست صادر کنیم به آن نحوی که هست منعکس کنیم» و یا در آن دیگری که «الحمدلله موفق شدید شما و موفق شدند ملت ایران که نام نامی این کشور را در همه دنیا منتشر کنند».

استفاده از ضمیر ما به عنوان کنش‌گر که جامع و شامل گوینده و مخاطب است و تأکید بر انقلاب خودمان که مالکیت ما را بر آن مورد تقویت قرار می‌دهد، یعنی انقلاب خودمان را به آن گونه‌ای که هست و موجودیت کنونی آن را صادر می‌کنیم.

در فیش ۱۸، «نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملت‌ها» اتفاقی است که دارد می‌افتد. اما چگونگی آن را ذکر نکرده و روندی عادی و معمولی به آن بخشیده است. در این گزاره آنچه که بازتاب پیدا می‌کند انعکاس ایدئولوژی اسلامی در متن است که جهانشمولی و همه‌گیری آن را نمایش می‌دهد. در اندیشه امام، سرایت انقلاب اسلامی ناشی از ایدئولوژی اسلام و ماهیت جهان‌شمول آن است. در این نمونه‌ها نقش خود انقلاب اسلامی ایران و به خصوص اسلام در صدور، مهم جلوه داده می‌شود که با حذف کنش‌گر و فاعل به تقویت کنش‌پذیر انجامیده است.

به کار بردن واژگانی مانند «باید» در فیش‌های ۱۲ و ۲۴ بر رابطه اقتدارآمیز بین متن و مخاطب صحه می‌گذارد. همچنین است تعیین اگرها و بایدها و نبایدهایی و توصیه‌هایی که بر وجه اقتدارآمیز آن می‌افزاید. استفاده از وجه منفی افعال در فیش‌های ۴ و ۱۲ امری را نفی می‌کند اما در واقع تأکید بر اجرای آن عمل است و در یک انسجام منطقی به برجسته‌سازی امر دیگر می‌پردازد. در «شما خیال نکنید صادر نشده، صادر شده است» که می‌توان گفت «خیال کنید صادر شده، صادر شده است» بر حتمیت صدور می‌افزاید. اینها اشارات مؤلف متن به متن‌های مخالف در زمینه بین متنی است که مولد آنها را دوباره تدوین می‌کند و جمله‌بندی خاص خود را که به لحاظ ایدئولوژیکی در تقابل با جمله‌بندی متون مخالف قرار می‌گیرند جایگزین جمله‌بندی آن متون مخالف می‌کند.

هویت‌های فاعلی در این متون در قالب ضمائر من، شما و ما به کار می‌رود اما ضمیر ما بیشتر مورد استفاده است که در جهت همسانی و همذات‌پنداری مخاطب و گوینده بوده است. کاربرد ضمیر «من»، هویت فاعلی مقتدرانه‌ای را برای امام شکل داده است. مرجع این ضمیر چنان اقتدارآمیز و تحکیم‌آمیز از آن بهره می‌گیرد که تمام دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌های مسلم، مسلمین و مخاطبان متعدد را در مقابل خود شکل می‌دهد و به‌گونه‌ای این امیدها و آرزوها، توصیه‌ها و تذکرات را به خود نسبت می‌دهد و در واقع بدین‌گونه خود را از دیگران متمایز و جدا می‌سازد. (فیش‌های ۳، ۵ و ۱۰)

«شما» که مرجع آن گاهی ملت ایران است که مورد خطاب قرار می‌گیرد، مخاطب ایدئال مورد تصور سخنران است و فردی است ایرانی از هر قشر و طایفه‌ای اما مسلمان، مؤمن و کسی که خود را برای انقلاب و جانفشانی در راه آرمان‌های آن مهیا کرده است و گوش به فرمان رهبری و مشتاق شنیدن کلام اوست. در کاربرد کلمه «شما» وجه ایدئولوژیک بارز می‌شود (فیش‌های ۲۱ و ۱۳) و گاه این «شما» حوزه گسترده‌ای را که شامل ملت‌های مسلم و غیر مسلم و یا دولت‌های اسلامی است، دربر می‌گیرد. یا محدود به مخاطبانی خاص است که گاه با واژه‌ای چون «جناب‌عالی»، خطابشان می‌کند که نمود فضای رسمی جلسه و گاه بخشی از سران و دولتمداران است.

در واقع به کارگیری واژگان مذکور، ارزش رابطه‌ای را نشان می‌دهد که مخاطبان دارای احترام و اهمیت نزد مولد گفتمان هستند. گاهی اوقات کاربرد «شما» مخاطبان بالقوه و بالفعل را دربر می‌گیرد که هویتشان برای مخاطبان ناشناس و نامعین است. این مسئله به خصوص زمانی که حوزه کاربرد آن گسترده باشد صدق می‌کند. این امر نشان‌گر سلطه گفتمان گوینده است که مخاطب را در وضعیت ضعف قرار داده است؛ این مخاطب می‌تواند ملی‌گراها باشند که در قالب دولت موقت با گفتمان صدور انقلاب موافق نیستند. ضمیر «ما» نیز گاه به طور جامع و گاه به طور مانع استفاده شده است. «ما» به صورت جامع، پیوستگی و هم‌اندیشی گوینده با مخاطب را مورد نظر دارد که دایره شمول آن، هم مخاطب و هم گوینده را دربر

می‌گیرد. آوردن ضمیر «ما» مدعی شدن این امر است که جمع دارای این تفکر است و یا صاحب این انقلاب است و یا در این امر نقش دارد و همه را در وضعیتی مشابه قرار می‌دهد. «ما» در این‌گونه موارد عهده‌دار همسانی رهبر با مردم است. (فیش‌های ۱، ۹ و ۲۰) و هویت یکسانی را شکل می‌دهد.

گاه مرجع «ما» دارای ابهام است و اینکه شامل همه مردم ایران یا تنها عده محدود دیگر باشد، مشخص نیست. این ابهام اجازه می‌دهد تا اندیشه‌گوینده و عده محدود به عنوان اندیشه همه مردم ایران تلقی شود و یا هر کسی بدین گونه خود را در آن شریک بداند و با آن هم‌ذات‌پنداری نماید؛ هرچند شاید منظور سخنران از آن، عده محدودی باشد. این «مای» شناور اگر مای جامعی باشد، آنجا که از طرف خود و مخاطبان سخن می‌گوید، به طور ضمنی ادعای اقتدار می‌کند. اقتداری که به او اجازه می‌دهد تا از طرف همه ملت ایران صحبت کند؛ آن هم با جملات بلندی که از پیوست جمله‌های کوتاه زنجیره‌ای به دنبال هم تشکیل شده است که گاه جمله اول تکرار مکرر همان مطلب ابتدایی است و یا جمله ابتدایی حاوی منظور اصلی گوینده بوده و جملات پیاپی آن به بسط موضوع یا ذکر نمونه آن که به تصدیق ادعای اولیه گوینده می‌انجامد، است. (فیش‌های ۱، ۹ و ۲۰)

هویت‌های فاعلی بنا شده بر تمایز دو هویت «خود» و «دیگری» پیش می‌رود. این تمایزات هویت ملت ایران و ملت مسلمان را با مولد متن یکی می‌کند تا در مقابل هویت‌های دیگری غرب، دولت و کشورهای غرب تعریف شود. این هویت‌ها برساخته قدرتی است که پس از انقلاب در یک چرخه گفتمانی دچار تحول شده است. برجسته‌سازی هم در متن‌های مذکور، زیاد مشاهده می‌شود. به خصوص زمانی که بخواهد مطلبی را برجسته‌تر کند و آن را مهم جلوه دهد با حروف ربط آن را در قالب جمله‌ای مجزا می‌آورد و یا با حروف ربطی، امری را بدیهی جلوه داده و آن را برای خود و مخاطب امری صادق فرض می‌کند و به بدیهی ساختن ایدئولوژی گوینده و همچنین صدور برای مخاطب می‌انجامد. در واقع، ایجاد یکسان‌سازی و شبیه‌سازی با حروف ربط رخ می‌دهد و گاهی چرایی و چگونگی صدور را برای مخاطب تشریح می‌کند.

در مجموع ارزش‌های صوری متن حاوی ارزش‌های تجربی (در عبارت‌بندی‌های دگرسان، روابط شمول معنایی، هم معنایی و تضاد)، ارزش‌های رابطه‌ای (بیان رسمی یا محاوره‌ای و استفاده از واژگان ارزشی) و ارزش‌های بیانی (هم آوایی منفی یا مثبت کلمات در بافتار متن) نشان داد مولد متن، جهان طبیعی و اجتماعی را در گستره مذهب اسلام بازنمایی می‌کند و اسلام معیار محک تمایزات در جامعه است. بر این مبنا صدور انقلاب به امری طبیعی و براساس مبانی عقلی به امری بدیهی و لازم تبدیل می‌شود. فاعلان و کنشگران گفتمان مذهبی همچون مسلمانان و امت‌ها و ملت‌های مستضعف از ارزش مثبت و جایگاه فراتری برخوردارند و عاملان گفتمان‌های رقیب، طرد و به حاشیه رانده شدند. نهادهای بین‌المللی به دلیل تعلق به نظم گفتمانی مطرود گفتمان مزبور نیز هویتی منفی است که به حاشیه می‌رود. از دیدگاه بینامتنی، پیوند گفتمان مذهبی و

سیاسی شکل گرفته است که بیانی تحکمی و دستوری را دربر دارد. در نهایت به نظر می‌رسد تناسب استفاده از بینامتنیت و مخاطبان توسط مولد متن، آگاهانه صورت می‌پذیرد.

۲. تفسیر

در ابتدای امر مناسبت دارد تا به بازسازی فرایند تولید متن توسط امام خمینی، پرداخته شود. گام اول در این راستا تحلیل بافت موقعیتی متن است. نوع کنش سخنرانی است که سخنگو و مخاطب را که می‌تواند بیننده یا شنونده آن باشد دربر می‌گیرد. مخاطبانی که آن را از طریق رسانه و یا به طور مستقیم با حضور در آن مجلس، دریافت می‌کنند.

سخنرانی از دو مجموعه هویتی تشکیل شده که یکی رهبر انقلاب اسلامی ایران و دیگری مخاطب آن است که ترکیبی متنوع از حیث اجتماعی و سیاسی را دربر می‌گیرد. افراد درگیر در کنش و مناسبات میان آنها در قالب این جایگاه‌های فاعلی قرار گرفته‌اند: ۱. سخنران و مخاطبان (وابسته به موقعیت) ۲. گوینده و شنونده (جایگاه وابسته به کنش گفتاری) ۳. دو مجموعه هویتی بر حسب وضعیت نهاد رسانه‌ای (چهره سرشناس رسانه‌ای و مخاطبان) و در نهاد سیاست (رهبر سیاسی و گروهی از مردم). البته به دلیل سیاسی شدن نظم مذهبی، رهبر سیاسی هویتی مذهبی نیز دارد. نظم مذهبی که هویت‌های فاعلی درگیر گفتمان را در قالب ولی فقیه، روحانی، امت و مسلمانان شکل می‌دهد، رابطه خصمانه‌ای با هویت‌هایی چون مستکبرین، کمونیست‌ها، استعمارگران و کافران به عنوان خصم گفتمان، برقرار می‌کند.

در نگاه امام خمینی، بافت نهادی مذهب بر سیاست برتری دارد و نهاد سیاست، وجهی فرعی دارد. این برنامه سخنرانی، برنامه‌ای سیاسی - مذهبی است. مخاطبان بیشتر به دلیل مرجعیت معنوی و مذهبی، در قالب پیرو و انقلابی گوش به فرمان امام به مثابه رهبری مذهبی - سیاسی قرار می‌گیرند. نام‌گذاری ایشان به «امام» که در فرهنگ مذهبی شیعه از جایگاه والایی برخوردار است، نشانگر مناسبات بین سخنران و مخاطبان است. امام دستگاه رسانه را ابزاری در خدمت اهداف انقلابی قرار می‌دهد و مخاطبان را در وهله نخست به عنوان انقلابیون و امت اسلامی دریافته است. هدف از این سخنرانی، اقناع مخاطبان مسلمان، انقلابیون و امت اسلامی است تا تحت تفوق گفتمان اسلام انقلابی هویت یابند.

درباره چگونگی صدور و راه‌های آن علی‌رغم وفاداری متن به الگوسازی بر صدور فرهنگی و تبلیغ، راه‌هایی چون حمایت از کشورهای در حال رشد و سازمان‌های آزادی‌بخش جهان به منزله نمودی از تقابل با دیگر بود و بازتولید ایدئولوژی انقلاب در متن دیده می‌شود. استفاده از مناسبات دستوری به نحوی است که سعی دارد معنای انقلاب ایران را به عنوان نمونه آرمانی در مخاطب درونی سازد و بدین ترتیب استیلای گفتمانی خود را تداوم بخشد. مرکز توجه گفتمان بر ملت‌های ستمدیده و مستضعف است که در جریان صدور نقش دارند. از یک سو مردم به عنوان توده انقلابی که وجودشان موجب تداوم و مشروعیت حکومت است

خطاب قرار می‌گیرند (فیش‌های ۱۲ و ۱۶) و از طرفی نیز توجه به مناسبات دستوری، نشان از هم‌ذات‌پنداری با مردم سایر بلاد دارد. عاملانی که در صورت جذب، تقابل با دیگر بود غرب و شرق که در قالب مفاهیم منفی بازنمایی شده‌اند را تقویت می‌کنند. گفتمان مزبور به دلیل تعلق به رهبر انقلاب، در جایگاه هژمون قرار دارد و رابطه فرودستی و فرادستی بر عاملان گفتمانی حاکم است. فضای انقلابی بر گفتمان امام حاکم شده و آن را به سخنرانی تبلیغاتی تبدیل کرده که در جهت اقناع مخاطبان صورت پذیرفته است. بنابراین باید به مقتضای حال مخاطب سخنان موجز و مؤثر، ساده و بی‌پیرایه باشند. با توجه به بافت بینامتنی می‌توان دریافت امام آن بخشی از تجربه بینامتنی مخاطبان را که از شمولیت بیشتری برخوردار است به کار می‌گیرد که همان تجربیات مذهبی است.

وضعیت مولد متن به عنوان رهبر انقلاب، به وی خصوصیتی قابل توجه می‌دهد؛ چراکه متضمن رسالتی است که هدفش احیای عقیده یا عرضه آرمانی نو می‌باشد. شکل‌گیری زیست جهانی برآمده از اصول مذهب که قرار است خلأ معنایی را پر کند که عامل به وجود آمدن وضعیت بحرانی است، در این متن، حکومت جهانی اسلام است که پیش‌فرض گوینده بوده و بر متن سایه افکنده است. (فیش‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۱۳ و ۲۱) امام خمینی علیه السلام به عنوان مولد متن با شناخت حافظه جمعی مخاطب، بافت تاریخی را به حرکت درمی‌آورد و در واقع با به جریان انداختن آن، تقابل مستضعفین و مستکبرین را تداوم بخشیده و بازتولید می‌کند تا جایگاه انقلاب ایران و محصول آن یعنی ساخت جمهوری اسلامی را به عنوان نماد دولت مستضعفین تثبیت کند. از طرفی نیز صدور را وجهه‌ای ایدئولوژیکی بخشیده و مبارزه این دو طبقه را مبارزه‌ای مستمر نشان دهد. (فیش‌های ۱۱ و ۱۴)

در واقع پیروزی این گفتمان در دست یافتن به جایگاه هژمون، معنا بخشی به واژه‌هایی است که در این دوران در حوزه گفتمانی سرگردان بودند و به نظر با توجه به بافت مذهبی، گفتمان مذهبی فرصت مطلوبی را برای معنا بخشی و از سویی آگاهی بخشی به سوژه‌های ایدئولوژی فراهم آورده است. بنابراین مولد متن، در جایگاه یک رهبر و هادی بر مبنای ساختی خارج از ساخت‌های مستقر و سلسله مراتب آمریت قرار می‌گیرد و خود متضمن ابداع و انقلابی پیامبرگونه می‌گردد. مخاطبان او «پیروانی» هستند که رابطه‌ای عاطفی - دینی بین آنها برقرار است و همین امر توانایی بسیج آنها را می‌دهد.

این گفتمان در جهت بازتولید مشروعیت نظام جدید و ساختار نوین قدرت که بر پایه ایدئولوژی ولایت فقیه ایجاد شده است حرکت می‌کند و نمادهای آن را مورد استفاده قرار می‌دهد و از سویی برای بازتولید فضای انقلابی بر تداوم انقلاب و صدور تکیه می‌کند؛ چراکه از نگاه امام «این واقعه به پویایی مبارزه انقلاب اسلام در بخش سیاسی نیز کمک کرده است». (عزتی، ۱۳۵۹: ۱۶۲)

از نظر امام، حکومت مبتنی بر اسلام (دال مرکزی گفتمان انقلاب) مشروعیت دارد و حکومت جهانی

اسلام با نفی دو قطب شرق و غرب محقق خواهد شد. بنابراین در راستای درونی کردن این امر، این دو قطب به عنوان غیریت گفتمانی با آوردن کلماتی نظیر اجانب، مستکبرین و استعمارگر نفی می‌شود. (فیش‌های ۲، ۳، ۱۱ و ۱۶) این چنین کاربرد واژه‌های مستضعفین، مستکبرین، جهاد، استثمار، تأکید به رهایی تمامی ملت‌های دربند، تأکید بر مردم‌تهدیدست و پابرهنه مشخص می‌گردد. (خلیلی، ۱۳۸۵: ۸۷)

یکسان‌انگاری انقلاب ایران و اسلام در متن، دلالت بر ذاتی بودن صدور انقلاب ایران دارد و انقلاب ایران به همه مسلمین تعلق می‌یابد. (فیش‌های ۳ و ۴) این فرآیند نشان دهنده یک نیروی سیاسی است که نقش تعیین‌کنندگی قواعد و معانی را در یک صورت‌بندی خاص به دست آورده و خواسته خود را با روندی تلقینی از طریق توصیه، الزام و دستور به مخاطب تلقین می‌کند.

۳. تبیین

انقلاب اسلامی تنها پدیده‌ای تاریخی نیست که در بهمن ۵۷ اتفاق افتاده باشد بلکه آغازگر یک گفتمان جهان‌شمول و رهایی‌بخش و نویدبخش آزادی و مبارزه علیه ظلم در جهان بود. به همین دلیل صدور انقلاب به عنوان مبنایی برای آشنایی با اندیشه رهایی‌بخش اسلام جزو اهداف سیاست خارجی ایران قرار گرفت؛ (ملکی، ۱۳۸۵: ۶۸) زیرا انقلاب ایران که برآمده از مکتب جهان‌شمول اسلام بود نمی‌توانست در مرزهای جغرافیایی ایران محدود گردد. از دیگر سو انقلاب ایران ساختار نظام بین‌الملل را به چالش کشیده بود و با نفی ایدئولوژی‌های غربی و شرقی در تلاش برای استقلال از آن ایدئولوژی‌ها می‌خواست ملت‌های محروم و مظلوم را مخاطب قرار دهد. از آنجایی که انقلاب، تغییر و گسست و یک زمینه بازساختن است؛ گسست از گذشته و پیوند با وضعیت نوینی که ایدئال گفتمان انقلاب بوده، این امر موجب تمایز فضای انقلابی از فضای پیش از خود می‌گردد که همه چیز را تحت تأثیر خود قرار داده و تغییر می‌دهد و در این فضا، نظم جدید متولد می‌شود. به همین ترتیب انقلاب اسلامی نیز موجب شد تا نظم گفتمانی نوینی شکل بگیرد. این نظم بازتاب ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران بود.

باید توجه داشت که فضای اجتماعی آن زمان تحت رقابت سه گفتمان متفاوت در باب صدور انقلاب بود. گفتمان ملی‌گراها که مخالف صدور انقلاب بودند؛ چنان‌که یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت می‌گوید: «ما قصد صادر کردن انقلاب خود را نداریم». اینها اعتقاد داشتند که انقلاب فقط در چهارچوب مرزهای ملی قابل قبول است و باید از ایجاد حساسیت جهانی نسبت به انقلاب دوری کرد. دیگر گفتمان انقلابی که با توجیه قدرتمند «اسلام مرز نمی‌شناسد و دارای رسالت جهانی است»، مجرای صدور را در حرکت‌های نظامی، چریکی و اطلاعاتی و تجهیز تسلیحاتی مورد تأکید قرار داده و صدور انقلاب را معنایی تهاجمی - نظامی بخشیدند. گفتمان آخر، هم‌پوشاننده دو گفتمان دیگر بود و با هم‌پوشانی مواردی از دو گفتمان قبل بر ایجاد یک نمونه و الگو و صدور فرهنگی به صدور معنا می‌داد. (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۵ - ۶۲)

گفتمان رهبر انقلاب، گفتمانی است که در منازعه و رقابت گفتمان‌های مزبور در جایگاه فرادستی قرار گرفت. این گفتمان برای حفظ جایگاه هژمون خود با استفاده از مناسبات اجتماعی حاکم بر فضای انقلاب و خصوصیت مرجع مذهبی و سیاسی بودن مولد متن، گفتمان‌های دیگر را به حاشیه راند. وجوه دستوری و سایر دلالت‌های متن نشان می‌دهد گفتمان مزبور با اشاره به صدور فرهنگی، عدم صدور انقلاب (گفتمان اول) را رد می‌کند و با دادن صفات غربی (ارزش بیانی منفی) آن را طرد می‌کند و با نفی حرکت‌های نظامی و مصالحه نیز دوگفتمان بعدی را به حاشیه می‌راند. (فیش ۲۴) در مجموع آنچه به عنوان یک منازعه درون‌متنی جاری است، فراخواندن گفتمان‌های رقیب صدور و جبهه‌گیری در مقابل ملی‌گراها، عملگراها و تندروها است. (فیش ۱۰، ۱۹، ۲۰ و ۲۳ و ۲۴) در این متون ایدئولوژی و نظام معانی صدور انقلاب بر ساخته اسلام بر سایر گفتمان‌ها چیره شده و تثبیت هژمونیک گفتمان صدور امام بر آنها در قالب نفی روش‌های نسبت داده شده از سوی دیگرهای داخلی و خارجی به خود شکل می‌گیرد. از طرفی نیز منازعه بین انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل در متن امری بدیهی جلوه‌گر می‌شود که از تقابل گفتمان انقلاب با نظام بین‌الملل برخاسته است. (فیش‌های ۱۱، ۱۴ و ۱۸ و ۲۴) البته ساخت متکثر قدرت در سال‌های آغازین انقلاب موجب شکل‌گیری گفتمان‌های متعددی شد که تأثیر آن را در پراکندگی گفتمان صدور انقلاب مشاهده کردیم.

امام خمینی ره انقلاب ایران را انقلابی اسلامی می‌دانست که متعلق به همه مسلمانان است، لذا صدور انقلاب وظیفه‌ای حتمی و اسلامی برای همگان است. ایشان صدور را خصلت ذاتی و اجتناب‌ناپذیر انقلاب اسلامی معرفی کرده و از طرفی آن را تکلیفی در راستای حاکمیت اسلام و احکام تعالی‌بخش آن می‌دانند. امام بر وجه فرهنگی انقلاب تأکید دارند و در صدد الگوسازی برای دیگر ملل هستند. ایشان همچنین صدور انقلاب را برای مقابله با ساختار نظام جهانی موجود و صیانت از انقلاب و دفع خطر دشمن و نیز حفظ پویایی انقلاب ضروری می‌دانست. (فیش ۲۵)

در منازعه سیاسی موجود، علی‌رغم هژمون شدن گفتمان رهبر انقلاب، رقابت و منازعه گفتمان‌ها پایان نیافت. در این منازعه نهادهایی که محصول گفتمان انقلابی بودند، با هژمون شدن این گفتمان در سیاست حاکم شدند که برآیند آن استیلای نهادهای انقلابی بود. در این فرآیند، یکپارچگی رهبری و نهادهای انقلابی شورای انقلاب، کمیته، بسیج، سپاه به عنوان نهادهای اعمال قدرت انقلابی موجب شد تا جایگاه قدرت تحکیم شود. هرچند مقاومت از سوی گفتمان لیبرال و چپ به دلیل جایگاه آنها در دیگر نهادها مانند دولت موقت، مجلس و وزارت خارجه و سایر گروه‌های چپ صورت گرفته و ادامه یافت.

در این راستا گفتمان رهبر انقلاب، مملو از دلالت‌های ضمنی و صریح و ناگفته‌های بسیار بر نقد و طرد گفتمان لیبرال و چپ است. گفتمانی که بر تقاطع ایدئولوژی‌ها شکل گرفته است. گفتمانی که به عنوان بیان نظم انقلابی سعی در تغییر ساختارهای حکومت سابق و حفظ ساختارهای انقلابی دارد. این بیان طرحی

ایدئولوژیک است که برای ایجاد بنیان سیاسی جدید، فاعلان سیاسی مردم، امت مسلمان و نهادهای انقلابی را به کار می‌گیرد و خود نیز بخشی از یک طرح و برنامه سیاسی برای ایجاد و تداوم هژمونی جبهه مذهبی که نیروهای مذهبی در کانون آن قرار دارند، می‌باشد.

نظم گفتمانی امام، به دلیل تقاطع گفتمان تجددگرا و سنتی و ارائه گفتمان اسلام سیاسی نظامی است که اقتدار و سلطه و برابری را در کنار هم قرار داده است. (وحدت مسلمین و استیلای فکر شیعی و عناصر دموکراسی‌خواهی و اقتدارگرایی) باید متذکر شد که گفتمان اسلام سیاسی تنها ناشی از پیوند آشکار بین دین و سیاست در اسلام نیست، بلکه در چگونگی عمل اسلام‌گرایان برای تبدیل اسلام از یک نقطه مرکزی درون چند گفتمان به یک دال برتر جستجو می‌شود. شعار رایج اسلام‌گرایان این است: «اسلام یگانه راه حل است». (سعید، ۱۳۷۹: ۲۳۸) بنابراین به تدریج این گفتمان ساخت قدرتی را تولید کرد که به تثبیت جایگاه نیروهای مذهبی انجامید. این فرآیند از قدرت به‌گونه‌ای پیش رفت که نهادهای محافظه‌کار سیاسی و حتی انقلابی ناهمخوان با ایدئولوژی حکومت را طرد کرده و به دیگربود خود بدل ساخت.

ساختار حاکم بر کشور در دو بازه زمانی جنگ و پس از پایان جنگ نیز خود عاملی برای تغییر و تحول گفتمان موجود بود. افزون بر این امر، یک نوع تحول گفتمانی در دو مقطع قبل و بعد از جنگ بر بالقوه بودن صدور انقلاب به لحاظ محتوای اسلامی آن تأکید دارد. زمانی که عامل اسلام را تقویت می‌کند از صدور به رخدادی یاد می‌کند که اتفاق افتاده است. در واقع زمانی که تقابل عینی آرمان‌های اسلامی با نظام بین‌الملل شکل مشخص به خود می‌گیرد و به خصوص از آغاز جنگ این تأکید بر عامل انسانی در صدور، تشخیص ویژه‌ای می‌یابد و تمام حوزه‌ها به عرصه نبرد بدل می‌شود و نقش کنش‌گر مشخص‌تر می‌گردد. به تدریج کاربردهای گفتمانی صدور و سایر فعالیت‌های انقلابی که توده مردم در چارچوب آن اجتماعی شده بودند تحت تأثیر فضای جدید پایان جنگ دچار تغییر شد. بنابراین در وضعیت جدید، گفتمان صدور نظامی جدید را به خود گرفت تا بتواند در ساخت نوین اجتماعی به تداوم قدرت کمک کند.

نتیجه

تحلیل گفتمان از رویکردهای متنوعی برخوردار است؛ در این میان تحلیل انتقادی گفتمان رویکردی است که برخی خلأهای نظری تحلیل گفتمان توصیفی را می‌پوشاند. در تحلیل انتقادی این پرسش که چگونه گفتمان به طور فزاینده در بازتولید ساختارهای کلان دخیل است، در مرکز جستجوهای تبیینی قرار دارد. تحلیل انتقادی گفتمان در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان، قدرت و ایدئولوژی، سلطه و قدرت و پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان که موجب تولید و بازتولید قدرت و سلطه و نابرابری می‌گردد توجه می‌کند و عناصر زبانی و غیر زبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران هدف و موضوع قرار می‌دهد.

این مقاله با توجه به روش فرکلاف در سه بخش توصیف، تفسیر و تبیین به بررسی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی علیه السلام پرداخت. در مرحله نخست یعنی توصیف متن، پژوهشگر به آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن دست یافت؛ متن برخاسته از ایدئولوژی اسلام شیعی بود که بنیان ایدئولوژی انقلابی را هم شکل می‌داد. در مرحله دوم یعنی تفسیر، تعامل بین متن و بافت و در مرحله سوم یعنی تبیین به تأثیر دو سویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها پرداخته شد.

در مجموع، واکاوی معنایی این گفتمان نشان داد گفتمان صدور انقلاب امام خمینی علیه السلام در راستای بازتولید ساختار قدرت انقلابی و مشروعیت برای آن بود. همچنین تثبیت جایگاه هژمون و رقابت در برابر گفتمان‌های رقیب، باعث می‌شد تا این گفتمان به تقاطعی پارادوکسیکال از وجوه برابرخواهانه و نابرابرخواهانه باشد و همین امر انشقاق گفتمانی را ایجاد می‌کرد. تحولاتی چون جنگ و پایان آن نیز ساخت گفتمانی را با تحولاتی روبه‌رو ساخت که به تعریف نوینی از هویت‌ها، روابط اجتماعی و معنا منجر شد. در نهایت می‌توان گفت گفتمان صدور انقلاب امام خمینی علیه السلام به دنبال ارائه سرمشقی از ایدئولوژی اسلام است که با تأکید بر ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام و انقلاب در داخل و خارج کشور الگویی برای تمامی ملل باشد و بتواند جایگاه هژمون را در نظام جهانی پیدا کند.

منابع و مأخذ

۱. اسپوزیتو، جان ال، ۱۳۸۲، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، تهران، باز.
۲. افتخارزاده، محمود، ۱۳۶۰، *انقلاب اسلامی و مواضع استکبار جهانی*، تهران، نشر روح.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صدور انقلاب از منظر امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی.
۴. _____، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، ج ۱۶ - ۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سوم.
۵. انصاری، حمید، ۱۳۷۴، *حدیث بیداری*، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی.
۶. بشیریه، حسین، ۱۳۷۹، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، چاپ دانشگاه تهران.
۷. تاجیک، محمدرضا و جلال دهقانی، ۱۳۸۲، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران»، *راهبرد*، شماره ۲۷، بهار ۸۲.
۸. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۵، *مجموعه مقالات، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی*، تهران، نشر سنبله.
۹. جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۹، *امروز و فردای انقلاب ایران*، تهران، نوید اسلام.
۱۰. خاتمی، جعفر، ۱۳۵۹، *کیفیت تداوم انقلاب اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۱. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۱، «انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکرد نظری»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره یک، بهار ۸۱.

۱۲. _____، ۱۳۹۱، *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در رویکرد نظری*، تهران، سمت.
۱۳. خلیلی، محسن، ۱۳۸۵، *مجموعه مقالات، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی*، تهران، نشر سنبله.
۱۴. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۶۱، *انقلاب اسلامی و وضع کنونی آن*، تهران، مرکز فرهنگی علامه طباطبایی.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۸۸، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.
۱۶. _____، ۱۳۸۹، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۷. رمضان‌نوی، روح‌الله، ۱۳۸۰، *چهارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر نی.
۱۸. سعید، بابی، ۱۳۷۹، *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. سلطانی، علی‌اصغر، ۱۳۸۴، *قدرت گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در ایران*، تهران، نشر نی.
۲۰. عزتی، ابوالفضل، ۱۳۵۹، *انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی*، تهران، انتشارات هدا.
۲۱. غلامرضا کاشی، محمدجواد، ۱۳۷۹، *جادوی گفتار (ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد)*، تهران، نشر آینده پویان.
۲۲. فارسی، جلال‌الدین، ۱۳۶۸، *فلسفه انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر.
۲۳. فرقانی، محمدجواد، ۱۳۸۳، *راه دراز گذار: تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران ۱۳۸۵ - ۱۳۷۷*، تهران، فرهنگ و اندیشه.
۲۴. فرکلاف، نرمن، ۱۳۷۹، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۵. فوران، جان، ۱۳۸۲، *نظریه پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۶. فوزی، یحیی، ۱۳۸۴، *اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام*، تهران، دفتر نشر معارف.
۲۷. فولر، گراهام، ۱۳۷۷، *قبله عالم*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۲۸. کالبرت، پیتر، ۱۳۸۳، *انقلاب و ضد انقلاب*، ترجمه سعید قانع، تهران، آشیان.
۲۹. کواکبیان، مصطفی، ۱۳۸۰، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران، قومس.
۳۰. کوهن، استانفورد، ۱۳۷۷، *تنوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر قومس.
۳۱. گلدستون، جک، ۱۳۸۵، *مطالعات نظری تطبیقی انقلاب‌ها*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.
۳۲. گی‌روشه، مایکل، ۱۳۸۶، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.

۳۳. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. مسجدجامعی، محمد، ۱۳۶۲، *ایدئولوژی و انقلاب*، تهران، بی‌نا.
۳۵. ملکی، عباس، ۱۳۸۵، «کندوکاوها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مفاهیم مطرح و فرایند انجام»، *راهبرد یاس*، شماره ۵، بهار ۸۵.
۳۶. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، ۱۳۶۰، *انقلاب یا بعثت برگزیده*، گردآوری حسین رضوانی، تهران، یاسر.
۳۷. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
۳۸. یارمحمدی، لطف الله، ۱۳۸۳، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران، هرمس.
39. Eddin, Ibrahim, 2002, *Egypt, Islam and democracy, cariro*, university of gairo press.
40. Fairclough, N, 1995, *Media Discourse*, London, Edward Arnold.
41. _____, 1997, *Critical Discourse Analysis*, r.wodak, in. T.a.Van Dijk (ed), *Discourse as interaction*, London.
42. Jaworski, Adam, 1999, *the discourse reader, Nikolas Coupland*, London, Routledge.
43. Jorgensen, Marianne, Phillips, Louise j, 2002, *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage Publications.

Archive of SID